



اصفهان باید اصفهان بماند

گفت و گو با حسین ملایی مدیر مسؤول فصلنامه حسنات

تولید شد با آن می‌توان بسیاری از کارهای معقول را انجام داد. هر چند که بسیاری از مردم کانون حسنات را بیشتر از فعالیتهای مالی و اقتصادی آن می‌شناسند، ولی وظيفة اصلی کانون پرداختن به امور فرهنگی و عامل المتفعه است چه امر خیری از آگاهی دادن ارزشمند است و در بخش فرهنگی از پرداختن به نوشتن زیبینده‌تر. خاص آنکه قلم را به دست خردمندان و اندیشمندان جامعه داده و تشنگان آموختن را به وسیله آن سیراب کرد.

۵ جنابعالی شاید بهتر از بسیاری دیگر که صادقانه دل در گروی ارتقای فرهنگ این مرز و بوم داده‌اند مطلع هستید که ما از سویی در شهری زندگی می‌کنیم که جایگاه ویژه و مهمی در جهان دارد و حفظ و صیانت این موقعیت و جایگاه برای هر شهروند و هر نهاد دولتی و خصوصی، وظایفی خاص را الزامی می‌کند و از سوی دیگر متأسفانه همین شهر با این آوازه جهانی که در صدر شهرهای تاریخی فرهنگی کشورمان نیز هست، دچار فقر و محرومیت مطبوعاتی است. ما روزنامه و هفته‌نامه و ماهنامه و فصلنامه مناسب این جایگاه بسیار کم داریم. خوب قاعده‌تاً حضرت عالی با امید به تحقق تصویری متعالی از آینده این شهر. که این نشریه نیز باید در راستای آن کمک کننده باشد. دست به چنین اقدام مهمی زده‌اید. بفرمایید آن تصویر، آن انتها بی که جنابعالی از آینده شهر و استان دارید، چگونه است، در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و حتی وضعیت بنیادها و رفتارهای اعتقادی؟

۰ جناب ملایی، رویکرد ما در این مصاحبه عمدتاً دریافت انگیزه جنابعالی از انتشار یک نشریه فرهنگی، اجتماعی و علمی است، اما قبل از آن باید عرض کنم دست زدن به چنین امر با ارزش از جهت جایگاه شخصی شما، به عنوان کسی که سالها در مصادر گوناگون علمی، آموزشی و فرهنگی در آموزش و پژوهش فعالیت داشته و یک دوره حقیقتاً قابل اعتنای نیز به عنوان رئیس شورای شهر اصفهان پشت سر گذارده کاملاً مورد انتظار بوده، اما به عنوان مدیر عامل کانون حسنات، امری است که شاید برای برخی تازگی داشته باشد. خواهش می‌کنم در این باره توضیح بفرمایید؟

■ جهان بیش از هر عصر دیگری میدان مسابقه اقتصادی شده و اقتصاد بیش از هر زمان دیگر به علم و دانش و فکر و اندیشه متکی شده است، برنده‌گان مسابقه ملتها بی هستند که مقتضیات و منابع با ارزش زمان را بشناسند و خود را به اینزارها و پرگاهای برنده مجهز کنند، اقتصادی بسته و موفق در درون مرزهای ملی وجود ندارد، زیرا افزایش و گسترش انواع ارتباطات سریع، ابعاد بین‌المللی اقتصاد و فناوری را تقویت کرده و نیاز به همکاری ملتها را افزایش داده است. منابع با ارزش و مولد ثروت، انسانها هستند به شرطی که دانشمند و متخصص، کارورز، مختار و مبتکر باشند. توانایی اقتصادی و فورانعمت از بستر مغزهای پیراسته از جهل و آراسته به دانش سر بر می‌آورد. نه از بستر منابع طبیعی، حتی اگر نفت یا طلا باشد. وقتی ثروت

مهاجران فراوانی که به دلیل سیاستهای غلط اقتصادی در حواشی این شهر اسکان گزیده‌اند به گفته فریدمن بشکه‌های باروتی هستند که با اندک جرقه‌ای فاجعه می‌آفرینند و نمونه‌های فراوان آن را روزانه می‌بینیم. چاره‌ای باید اندیشید. کندوکاو در امور اجتماعی، پرداختن به عوارض چنین شرایطی چه برای مسؤولان و چه برای اندیشمندان و چه برای مجموعه‌های علاقه‌مند و خیری که در این شهر فراوان اند و باید توجیه شوند که در این راه اقدامی شایسته باید کرد، مارابر آن داشت که از امکان کوچکی که میسر شده در این جهت نیز استفاده کنیم و این مؤسسه که از جمله مؤسسات خیریه و سابقه‌دار است و خدمات درخشانی داشته در این باب نیز وارد شود و از همه دلسوزان و علاقه‌مندان این دیار صمیمانه بخواهد که به قول ابوسعید ابوالخیر «خدایامرزد آن را که بrixیزد و گامی فراتر نهد».

۵ سوال آخر، جناب ملایی می‌دانید زحمات زیادی برای تهیه یک نشریه کشیده می‌شود، هر چقدر که ما تلاش کنیم، به بضاعت علمی و رسانه‌ای کشور کمک کنیم باز هم قدمهای بیشتری لازم است برداشته شود. آیا قصد دارید فصلنامه حسنات در کشور نیز منتشر گردد یا همچنان محدود به استان خودمان خواهد بود؟

■ قطعاً اگر موفق شویم که از نظر کیفیت سخنی مناسب برای گفتن داشته باشیم در سرتاسر کشور توزیع خواهیم کرد. از توضیحاتی که فرمودید بی‌نهایت سپاسگزاریم.

■ شهر اصفهان با سابقه تاریخی خود دوره‌های مختلفی را به خود دیده است. روزگاری این دیار مهد تمدن، فرهنگ، هنر و دانش بوده و بزرگان و حکیمان و هنرمندان فراوانی در خود پرورانده است. برای همه این سؤال مطرح است که شهری با چنین قدامت و سابقه امروز در زمینه‌های فرهنگی چرا به چنین وضعیتی مبتلا گردیده است.

شهریاران بود و خاک مهریاران این دیار مهریارانی کی سر آمد، شهریاران راچه شد شهر و استانی با چنین سرمایه‌های عظیم اقتصادی هم در بخش خصوصی هم بخش دولتی از داشتن یک تالار عمومی با ظرفیت مناسب محروم است، تئاتر و هنر آن به قراموشه و انقراض کشیده شده، شهری که در آن انجمن‌های شعری و ادبی فراوانی بود دیگر چراغ آن نوری نمی‌افشاند. کاهش رشد فرهنگ عمومی مردم، علی‌رغم داشتن امکانات سخت‌افزاری فراوان، به صورت چشمگیری نمایان است. تعداد روزنامه‌های محلی و هفته‌نامه‌ها و مجلات و... هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی متناسب این شهر و سابقه درخشان آن نیست. حقیر به دلیل داشتن مشاغل فرهنگی و حضور در مجموعه‌هایی که دغدغه‌ای از این نوع داشته‌اند، همیشه از این وضعیت رنج فراوان برده و در این اندیشه بوده‌ام که در چنین شرایطی چه باید کرد. به خصوص که بسیاری شاهدند که در جلسات زیادی که به مناسبتهای مختلف تشکیل می‌شد این خطر بالقوه را که اصفهان به لحاظ فرهنگی و اجتماعی مورد تهدید واقع شده گوشزد کرده‌ام.